

# سخنرانی دکتر آهنی در نخستین کنفرانس ملی حقوق انرژی

در نخستین کنفرانس ملی حقوق انرژی که در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ در دانشگاه تهران برگزار شد، جناب آقای دکتر آهنی، معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه طی سخنانی با عنوان حقوق انرژی و چالش‌های پیش‌رو مطالبی ایراد نمودند. در این کنفرانس که با سخنان دکتر رهبر، رئیس دانشگاه تهران افتتاح گردید، معاونان وزارتخانه‌های نفت، نیرو، سازمان انرژی اتمی ایران، قوه قضائیه و تنی چند از اساتید و محققان دانشگاه‌ها درباره قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، معاهدات بین‌المللی و انرژی هسته‌ای، محیط زیست و حقوق انرژی، حقوق حاکم بر انرژی‌های نو و تجدیدپذیر و چالش‌های موجود در حقوق انرژی ایران به ایراد سخن پرداختند.

با عنایت به اهمیت بحث حقوق انرژی در جهان امروز، ذیلاً متن سخنرانی جناب آقای دکتر آهنی آورده می‌شود:

اینجانب این است که هدف برگزارکنندگان این همایش، مطالعه و بررسی موضوع حقوق انرژی از هر دو دیدگاه است. بر این اساس تعریفی که می‌توان از حقوق انرژی مدنظر قرار داد این است که حقوق انرژی در بردارنده حقوق دارندگان منابع انرژی اعم از دولت‌ها و کشورهای مربوطه و مؤسسات و شرکت‌های ملی درگیر در امر استخراج و تولید انرژی / حقوق کشورهای و شرکت‌های سرمایه‌گذار، خریدار، واردکننده و توزیع‌کننده انرژی / حقوق مصرف‌کنندگان انرژی اعم از اینکه در کشورهای تولیدکننده انرژی باشند و یا در کشورهای واردکننده انرژی باشند / حقوق مربوط به فدراسیون‌ها و سندیکاهای

ابتدا لازم به ذکر است که واژه حقوق انرژی در غرب با دو ترمینولوژی مورد توجه قرار گرفته است:

1. Droit de l'Énergie یا Right of Energy
2. Droit à l'Énergie یا Right to Energy

ترمینولوژی اول یعنی Droit de l'Énergie یا Right of Energy که از قدمت بیشتری برخوردار است در برگیرنده ابعاد حقوقی مربوط به آزادسازی انرژی از بخش دولتی یا liberalization می‌باشد، اما ترمینولوژی دوم یعنی Droit à l'Énergie یا Right to Energy که موضوع جدیدی است و شاید بیش از یک دهه از عمر مطرح شدن آن نمی‌گذرد از جامعیت بیشتری برخوردار است و دربرگیرنده ابعاد حقوقی وسیع‌تری در این زمینه می‌باشد. برداشت

کارگری دست‌اندرکار در مراحل مختلف تولید، فرآوری و مصرف انرژی/ و همچنین حقوق دست‌اندرکاران حمل و یا ترانزیت انرژی اعم از دولت‌ها، شرکت‌ها، کارکنان و حتی آسیب‌دیدگان در این فرآیند و سازمان‌های غیردولتی فعال در این حوزه می‌باشد.

در موضوع حقوق انرژی، به‌طور کلی چهار عامل مهم نقشی حائز اهمیت دارند که هر کدام به تناسب وزن، موقعیت و شرایط و سیاست‌ها و رویکردهای حاکم بر نظام بین‌الملل خودنمایی کرده و هر کدام نیز با چالش‌های خاص خود مواجهند و یا می‌توانند چالش‌هایی را خلق کنند:

۱. مالکین منابع انرژی که نوعاً دولت‌ها و یا شرکت‌های دولتی را در بر می‌گیرند که از حق مالکیت منابع برخوردارند و دریافت بهره و حق مالکانه را پیگیری می‌کنند. این عامل با اوج‌گیری نهضت ملی‌سازی نفت در برخی کشورها و تشکیل نهادهای هماهنگ‌کننده مثل اوپک برخلاف گذشته از نقش مهم‌تری برخوردار شده است.

۲. سرمایه و سرمایه‌گذار که زمینه را برای ایفای نقش تعیین‌کننده غول‌های انرژی و به تبع آن دولت‌های مربوطه خود را فراهم می‌کنند. این عامل که با سرمایه‌گذاری، برای خود حق دسترسی به منابع را ایجاد می‌کند و در سنوات گذشته رویکردی چپاولگرانه و استعمارگرانه در قبال عامل اول را داشته، در طول زمان بالاچار ناچار به تعدیل رویکرد خود شده اگرچه همچنان با استفاده از شگردهای مختلف و بازیگری‌هایی با حمایت و مداخله سیاسی دولت‌های متبوع خود سعی داشته و دارند که به افزون‌طلبی خود و کاهش عواید مالکان منابع انرژی ادامه دهند.

برای مثال ایجاد آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۱۹۷۴ به عنوان نهادی ضد اوپکی که در سال ۱۹۶۰ به منظور تأمین بهتر منافع کشورهای تولیدکننده نفت و جلوگیری از سقوط قیمت آن به خاطر رقابت‌های ناسالم تولیدکنندگان به وجود آمده بود، یکی از شگردهای قدرت‌ها و شرکت‌های غربی در این زمینه بود. هنری کسینجر در کتاب خاطرات خود (در سال ۱۹۹۹) می‌نویسد: از نظر دولت‌های نیکسون و فورد هیچ موضوعی مهم‌تر از درهم شکستن اقتدار اوپک و پایین آوردن سطح قیمت‌های نفت نبود. این راهبرد نه فقط منعکس‌کننده تجزیه و تحلیل اقتصادی، بلکه تعهد سیاسی و حتی اخلاقی بود.

۳. عامل مصرف‌کنندگان که طبعاً به دنبال دستیابی به قیمت‌های پایین‌تر بوده و نهایتاً ملزم به پرداخت هزینه‌ها و مالیات‌ها و قیمت‌های تعیین شده هستند.

۴. دولت‌هایی که با شرکت‌های مهم و غول‌های انرژی چسبندگی دارند و از آنها حمایت و یا با هماهنگی با آنها سعی می‌کنند برای تأمین منافع بیشتر خود و کاهش عواید عامل اول یعنی مالکان منابع انرژی، مقررات و سیاست‌های منفعت‌طلبانه و نوعاً غیرعادلانه‌ای را به آنها تحمیل کنند. طبعاً مناسبات این دولت‌ها و دولت‌های مالک منابع انرژی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و چالش‌های زیادی را در پی دارد که بایستی در مبحث حقوق انرژی ابعاد آن بررسی و شکافته شود.

نکته قابل توجه اینکه اگر چه کشورهای تولیدکننده انرژی در تلاش بوده و هستند تا با ایجاد تشکلهای سازمان‌های مناسب هماهنگی بیشتری در سیاست‌های اقتصادی و تولید انرژی خود داشته باشند تا بهتر بتوانند با استفاده از توان جمعی از منافع ملت‌های خود در مقابل زیاده‌خواهی‌های طرف مقابل، قد برافراشته و ضمن دفاع

از حقوق خود مانع اجحاف و سودجویی‌های استعمارگرانه دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ و فعال در زمینه انرژی بشوند، لیکن در عمل شاهد رویکردهای بعضاً منفعلانه و از موضع تدافعی برخی دولت‌های عضو این سازمان‌ها بوده‌ایم که تحت تأثیر فشارهای سیاسی اقتصادی قدرت‌های بزرگ، نقشی بازدارنده در تأمین بهتر منافع ملت‌ها و کشورهای تولیدکننده انرژی داشته‌اند. بدیهی است یارگیری سیاسی دولت‌های مستقل برای مقابله با این چالش بزرگ بسیار حائز اهمیت می‌باشد و نقش وزارت امور خارجه در این زمینه بسیار تعیین‌کننده است.

از طرف دیگر رویکرد دولت‌ها و کشورهای مهم صنعتی و شرکت‌های بزرگ انرژی که در واقع واردکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده انرژی هستند، برای تحمیل برخی مقررات، اعمال مالیات‌های متنوع، چندگانه و مضاعف و همچنین تحمیل خواسته‌های منفعت‌طلبانه خود به کشورهای مالک و تولیدکننده انرژی برای تأمین هر چه بیشتر منافع و مستهلک کردن سریع‌تر هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خود در این زمینه، از جمله چالش‌های مهم پیش‌روست که بررسی ابعاد حقوقی و یافتن راهکارهای مناسب آن بسیار حائز اهمیت است. در همین رابطه ایجاد نهادها و سازمان‌هایی از سوی کشورهای واردکننده و مصرف‌کننده انرژی برای تأمین هر چه بهتر منافع خود در قبال کشورهای تولیدکننده، که سعی می‌کنند به بهانه حمایت از مصرف‌کنندگان انرژی و با هماهنگی بین خود خواسته‌های مورد نظر را بر دولت‌ها و شرکت‌های مربوطه در کشورهای تولیدکننده تحمیل نمایند چالش مهم دیگری در مبحث حقوق انرژی است.

طبعاً موضوعی با این وسعت در هر یک از زیرمجموعه‌هایش با چالش‌های خاص خود مواجه است که بررسی‌های دقیق و کار عمیق پژوهشی دانشگاهی را

می‌طلبد تا ابعاد مختلف آن مطالعه و شکافته شود و راهکارهای مقابله با آنها ارائه شود و حتی زیرشاخه‌های مربوط به این موضوع می‌تواند محور پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا باشد.

تقریباً از اوایل دهه گذشته، در غرب تلاش و نهضتی از سوی بیش از ۵۰۰ سازمان غیردولتی مختلف در این حوزه شروع شده که محور فعالیت آنها زمینه‌سازی و حرکت به سوی تبیین و فرموله کردن منشور حقوق اساسی انرژی و اخلاق انرژی بوده و با گذشت زمان ابتکارات و فعالیت‌های آنها چشمگیرتر شده و وسعت بیشتری یافته است.

هدف اصلی این تلاش‌ها این است که با بسیج افکار عمومی و جلب حمایت مسؤولان، محققان، علاقمندان و دست‌اندرکاران در صنایع انرژی اعم از بخش خصوصی یا دولتی و سندیکاها و اتحادیه‌های مختلف، بتوانند حقوق انرژی را به عنوان یک حق اساسی و بنیادی نوع بشر برای دسترسی به انرژی، تقسیم مناسب منابع انرژی و محافظت از محیط زیست و آن هم در راستای اهداف هزاره ملل متحد در امر توسعه به رسمیت بشناسانند. همچنین سعی دارند تا حقوق انرژی را در متون اساسی و بنیادی نهادهای اروپایی و بین‌المللی ادغام و آن را نهادینه کنند.

در این راستا حقوق انرژی ابعاد وسیعی را به شرح زیر در بر می‌گیرد:

- نیازهای انرژی یا مربوط به انرژی

- امنیت انرژی

- استقلال انرژی

- انرژی و محیط زیست و تغییرات آب و هوایی و حفظ محیط زیست در کره زمین

- مدیریت انرژی و بهینه‌سازی مصرف انرژی و تسهیل در امر دسترسی همه افراد به انرژی در سطح جهان  
- کارآیی انرژی و جلوگیری از به هدر رفتن انرژی  
- انرژی و توسعه و نقشی که انرژی در امر توسعه کشورها دارد و مسائل و ابعاد حقوقی مربوط به آن  
- انرژی و سلامتی

اگر به این نکته توجه کنیم که منظور از بحث انرژی فقط انرژی ناشی از سوخت‌های فسیلی نیست بلکه انرژی هسته‌ای و دیگر انرژی‌های نو و تجدیدپذیر را نیز در بر می‌گیرد، وسعت ابعاد حقوق انرژی بیشتر جلوه‌گر می‌شود و اهمیت موضوع این همایش و کار جدی که بایستی متعاقب آن در کشور مورد پیگیری قرار گیرد بیشتر هویدا می‌شود.

در عصر جهانی شدن اقتصاد و ظهور قدرت‌های صنعتی و قطب‌های اقتصادی جدید و نیاز جهانی به انرژی و مطرح شدن انرژی به عنوان ضرورتی حیاتی برای اعضای جامعه بین‌المللی، اصطکاک منافع دارندگان منابع انرژی، سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان، شرکت‌های واسطه و مصرف‌کنندگان بیشتر خودنمایی کرده، آسیب‌پذیری‌ها و چالش‌های جدیدی را در پی خواهد داشت.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی و منابع عظیم انرژی که دارد ناچار است مطالعه و کار تحقیقاتی درمورد حقوق انرژی را در مقوله‌های زیر جدی بگیرد: حقوق مالکانه، حقوق مربوط به سرمایه و سرمایه‌گذار، حقوق مربوط به توزیع و مصرف‌کنندگان داخلی، حقوق مربوط به ترانزیت و انتقال انرژی تولید داخل و یا ترانزیت انرژی کشورهای منطقه آسیای مرکزی، با توجه به اینکه به لحاظ اقتصادی ایران بهترین و با صرفه‌ترین و امن‌ترین مسیر انتقال و ترانزیت انرژی می‌باشد و احتمالاً حقوق مشارکت در پروژه‌های

مربوطه به‌ویژه آن که با شرکت‌ها و غول‌های انرژی چندملیتی مواجه هستیم، حقوق بهره‌برداری از منابع و ذخایر مشترک با کشورهای همسایه، حقوق مربوط به استفاده از حق آبه رودهای مشترک با همسایگان، حقوق مربوط به تولید و توزیع و مصرف‌کنندگان الکتریسیته و حقوق مربوط به فروش و انتقال الکتریسیته به کشورهای همسایه و همچنین حقوق تولید، توزیع و مصرف‌کنندگان انرژی هسته‌ای و احتمالاً حقوق مشارکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه انرژی هسته‌ای.

کاملاً بدیهی است که هر یک از مقوله‌های فوق می‌تواند چالش‌های خاص خود را در پی داشته باشد که بدون کار تحقیقی و علمی و همفکری و تلاش اساتید، محققان و دانشگاهیان نمی‌توان بهترین و مطلوب‌ترین مسیر را انتخاب نمود.

کشور ما با ذخایر عظیم نفت و گاز از گذشته مورد توجه شرکت‌ها و دولت‌های غربی بوده است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به سلطه برخی قدرت‌ها بر سرنوشت کشور، نوعاً دست‌اندرکاران صنعت انرژی با قراردادهای تحمیلی از سوی شرکت‌ها و دولت‌های غربی مواجه بوده‌اند و در واقع حق انتخاب چندانی نداشته‌اند. لیکن با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر شرایط، چگونگی مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در پروژه‌های مختلف نفت، گاز و پتروشیمی و چارچوب قراردادهای مربوطه مورد بحث و توجه دست‌اندرکاران و بعضاً محققان و دانشگاهیان بوده است. در این رابطه شرکت‌های خارجی نوعاً درخواست مشارکت در تولید و برخورداری از حق تولید و بهره‌برداری را داشته و دارند که با آن مخالفت شده و در عوض روی قراردادهای نوع بیع متقابل یا بای‌بک تأکید گردیده و پیگیری شده است. اما از آنجا که ملاحظاتی نیز درخصوص این نوع قراردادها

وجود دارد، از جمله میزان بهره سنگینی که در طول مدت قرارداد بای‌بک بایستی به طرف خارجی پرداخت شود و یا اینکه گفته می‌شود به دلیل کوتاه بودن طول دوره همکاری در قراردادهای بای‌بک، تضمین حداکثر بهره‌برداری صیانتی از میادین در دوره طول عمر آنها از سوی سرمایه‌گذار داده نمی‌شود، این سؤال جدی مطرح است که آیا امکان ارائه پیشنهاد و انتخاب راهکار مطلوب‌تری در این زمینه وجود دارد که با چالش کمتری مواجه باشیم؟ این سؤال است که محافل تحقیقاتی و دانشگاهی می‌توانند به پاسخ آن کمک کنند. بدیهی است در صورت لزوم بایستی از دانش و تخصص اساتید معروف و صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل در سطح جهان نیز استفاده گردد که در این راستا وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور می‌توانند در شناسایی این افراد و بهره‌گیری از آنها همکاری و مساعدت نمایند.

بی‌تردید وزارت امور خارجه تا آنجا که از سوی وزارت نفت، وزارت نیرو و سازمان انرژی اتمی به کمک

طلبیده شده، در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های آنها مساعدت نموده و کوشیده است تا بهترین مشارکت و همکاری ممکن را در پیشبرد دیپلماسی انرژی به عمل آورد.

سخن آخر اینکه، حقوق انرژی از حوزه‌های بین رشته‌ای حائز اهمیت است که همزمان با اقتصاد و حقوق و سیاست انرژی پیوند خورده است و با توجه به جایگاه شاخص جمهوری اسلامی ایران در عرصه انرژی امروز و فردای جهان، نهادینه شدن این رشته می‌تواند دستاوردهای مهمی در جهت تأمین مطلوب‌تر منافع کشورمان در پی داشته باشد و در شکل‌دهی به فرایندها و نظام حقوق انرژی در کشور و ادبیات‌سازی لازم در این زمینه و شناسایی چالش‌ها و راه‌های مقابله با آن نقش برجسته‌ای داشته باشد. البته کاملاً بدیهی است که تحقق این امر بدون تعامل سازنده و همفکری و همکاری بخش‌های دولتی و خصوصی فعال در این بخش و دانشگاهیان و محققان علاقمند و مراکز مطالعاتی مربوطه امکان‌پذیر نخواهد بود.